فصلنامه علمی _ترویجی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره بیستم، پاییز۱۳۹۶- صفحات ۳۲-۷

نقدی بر روش شناسی مباحثات بهره

سمیه رشیدیان[۱]
محمد مهدی مجاهدی موخر[۲]
امراله امینی[۳]
علی معصومی‌نیا[۴]

تاریخ دریافت:۹۶/۳/۲۲ **تاریخ پذیرش:۹۶/۴/۲۴**

چکیده

تحقیقات زیادی در مباحثات پیرامون رد یا تایید بهره، به ابزار مختلف نقلی، عقلی و تاریخ و اخلاقی تمسک جسته‌اند. آن‌چه در روش‌شناسی این مباحثات از اهمیت برخوردار است، یکسانی شیوه بحث و استدلال‌ها است. برای روشن شدن شیوه نقد و استدلال‌ها در این زمینه، این مقاله عمده تلاش خود را بر بررسی روش نقد و بررسی مساله بهره در یک سیر تاریخی نهاده است. در این مقاله مساله مباحثات بهره در اندیشه غیرمسلمانان و روش‌های بحث و بررسی آن‌ها مورد مداقّه قرار می‌گیرد. همین‌طور چنین سیری در اندیشه مسلمانان نیز دنبال شده و در نهایت روش مباحثات و مجادلات از نظر عینی و عقلی یا نقلی و ارزشی مقایسه می‌شود.

واژگان کلیدی: بهره، ربا، اقتصاد اسلامی
طبقه‌بندی JEL: P4 , P2، E430,E49

۱- دانشجوی دکتری اقتصاد اسلامی دانشگاه علامه طباطبایی s.rashidian@aut.ac.ir
۲- استادیار دانشگاه علامه طباطبایی mojahedi2004@yahoo.com
۳- دانشیار دانشگاه علامه طباطبایی amrollahamini2511@gmail.com
۴- دانشیار دانشگاه خوارزمی masumini_ali@yahoo.com

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

مقدمه

از مناقشه برانگیزترین مباحث اقتصاد مساله بهره یا به طور خاص مازاد در قرارداد قرض است. افراد زیادی در طول تاریخ با بیان استدلال‌های گوناگون به دنبال رد یا تایید این مساله بوده‌اند. این استدلال‌ها گاهی ارزشی و نقلی و گاهی نظرات عقلی و اثباتی بوده‌اند. نظرات ارزشی و نقلی عموما بدون بیان دلایل و تحلیل‌های اقتصادی، بیشتر با اتکاء بر مسائل اخلاقی و حقوقی، بهره را رد یا پذیرفته‌اند. دیدگاه‌های تحلیلی و عقلی، بر جنبه‌های کارکردگرایانه بهره معطوف شده و با بررسی آثار آن در روابط اقتصادی و اجتماعی افراد، رای به قبول یا رد آن داده است. این دیدگاه ها به منظور سهولت در بررسی، در یک سیر تاریخی، به دو دسته نظریات اندیشمندان غیرمسلمان و مسلمان تقسیم شده‌اند. در هر حوزه فکری، نظرات موافقین و مخالفین بهره بررسی می‌شود.

سوال اصلی این مقاله روش مورد استفاده در مباحثات بهره است. هدف بررسی این موضوع است که آیا روش بکار رفته در مباحثات توسط اندیشمندان مختلف صحیح است یا خیر. فرضیه این پژوهش این است که مباحثات در فضاهای متفاوتی شکل می‌گیرد به طوری که انتظار است اگر یک طرف به تایید یا رد بهره با دلایل نقلی و ارزشی و اخلاقی می‌پردازد، مخالفین هم با استدلال‌هایی از همین جنس پاسخ گویند. همین‌طور اگر عرصه بحث دلایل اثباتی و عقلی است، دو طرف از ابزار همین حوزه بهره جویند که فرضیه مقاله این است که چنین هم‌گونی و مشابهتی در اکثر پژوهش‌ها به چشم نمی‌خورد. در اکثر موارد به خصوص در بین مباحثات اندیشمندان مسلمان، هم نوع نبودن استدلال‌ها، منجر به ابهام و عدم دستیابی به پاسخ صحیح و در نتیجه عدم کشف راه‌حل مناسب می‌شود. نوآوری و دستاورد اصلی مقاله عبارتست از مقابل هم قرار دادن استدلال‌های مختلف در رد یا اثبات بهره و کشف روش مورد استفاده و همچنین بررسی این مساله که آیا این روش در جایگاه مناسب بکار رفته است یا خیر. این مقاله شامل چهار بخش مقدمه، ادبیات نظری، دستاورد مقاله و خلاصه و نتیجه‌گیری می‌باشد.

۱- ادبیات نظری

۲-۱- سیر تاریخی مباحثات بهره نزد اندیشه وران غیرمسلمان

۲-۱-۱- مخالفین بهره

مباحث ممنوعیت بهره به بیش از ۲۰۰۰ سال پیش باز می‌گردد. طبق کتاب بهره و سرمایه بوم باورک(۱۸۸۹)، در عهد عتیق بندهای متعددی به نهی از رباخواری اختصاص یافته است. در زبور داوود(ع)، تورات و انجیل در چند مورد به مزمت رباخواری پرداخته شده ست. در زبور داوود آمده است: «کسی که مال خود را برای سیم و زر به دیگران بدهد، از خوردن گوشت مرده حیوانات بدتر

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

کرده است. در سفر نحمیا[1]، در گزارش نحمیا، پسر حکلیا، باب پنجم بند ۱۰ آمده است: «من و برادران و افرادم به برادان یهودی، بدون سود، پول و غله قرض می‌دهیم. از شما می‌خواهم از رباخواری دست بردارید». در تورات کتاب یهودیان سفر خروج، بابت بیست و دوم، آیه بیست و پنجم، سفر لاویان، باب بیست و پنجم آیات ۳۵-۳۷، سفر تثنیه، باب بیست و سوم، آیات ۱۹-۲۰ رباخواری از برادر (یهودیان) فقیر مزمت شده است ولی گرفتن ربا از فرد غریب مجاز شمرده شده است. همچنین در آیه ۱۰ از انجیل متی آمده است: «مفت یافتید، مفت بدهید». در انجیل یوحنا و متی آخرین حد مجاز سود ۱۰کلش بیان شده و نباید بیشتر باشد که آن سبب محبت است و تمام رفتارها در جهت محبت به اوست (خداوند عالم). در انجیل برنابا نیز در باب (فصل)۸۹ آن در بیان مهلت توبه گناهکار و مذمت ربا صحبتی بین پطرس و سیوع و برخی شاگردان به میان آمده است.

مباحث مربوط به حرمت ربا ابتدا به عنوان یک بحث کلامی در بین فلاسفه و متکلمین بزرگی چون افلاطون و ارسطو و بعد از آن‌ها به وسیله کالوین[1] و مولینیس[2] مطرح شده است. برای نمونه در دیدگاه‌های فلسفی در رد نرخ بهره می‌توان به دلایل عقلی ارسطو در این زمینه اشاره کرد. وی عبارت"عقیم بودن پول"را درکتاب"سیاست"بیان نمود. ارسطو"ربا"را که بدست آوردن پول از پول است، منفورترین و غیرطبیعی‌ترین شکل کسب درآمد می‌داند چرا که معتقد است پول برای مبادله است نه برای افزایش یافتن از طریق بهره. در تایید این حرف تالز[3] بیان می‌کند گرفتن هر چیزی از پول قرض داده شده برخلاف طبیعت است و مقدار اضافه گرفته شده از کار و تلاش دیگری است تا پول، چرا که پول، پول نمی‌زاید.(باورک، ۱۸۸۹، ص۲۱)

تا پیش از قرون وسطی (قبل از فروپاشی روم)، در یونان باستان محدودیتی برای بهره وجود نداشت اما به تدریج امپراطوری جهانی روم قوانین سختی که رسما گرفتن بهره را ممنوع می‌کرد لغو کرد، سپس نرخ‌های قانونی رسما گرفتن آن را مجاز شمرد. این وقایع مورد حمایت سوداگران و ثروتمندان و با توجیه کافی نبودن قرض بلاعوض برای نیازهای تجاری انجام شد. به دنبال فروپاشی امپراطوری روم، با قوت گرفتن حکومت مسیحت، اندیشه‌های بهره ستیزانه دوباره قوت گرفت. حرمت ربا به تدریج و ابتدا فقط برای روحانیون و سپس همه مردم توسط کلیسا اجرا شد. به این ترتیب برای ۱۵۰۰ سال، بعد از فروپاشی امپراطوری روم، دوباره قانون تحریم ربا برقرار شد.

بعد از تحولات رنسانس و جایگزینی رویکردهای عقلی محور به موضوع بهره هرچند پذیرش دربست توجیهات کلیسای کاتولیک دچار تشکیک شد لیکن این تشکیک موجب نشد تا اندیشه مخالفین سرسخت بهره به سوی موافقت با بهره میل نماید بلکه منجر شد مخالفان ممنوعیت بهره

1 -calvin
2 -mollinis
3 -Gonzalez Tellez

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

از دلایل نقلی در رد آن به دلایل عقلی گرایش پیدا کردند. در این زمینه، توماس آکویناس[1] (۱۲۲۵-۱۲۷۴) حق طبیعی را به عنوان دلیل عقلی رد بهره بیان می‌کند. او معتقد است مصرف پول و سایر انواع کالاهای مصرفی قرض داده شده یک موضوع ثانویه به نام"حق طبیعی"دارند. اگر این حق منتقل شود خود آن کالا هم الزاما باید منتقل شود و دریافت بهره از چنین کالایی، به معنای فروش دوباره آن است.

"انتقال مالکیت"دلیل عقلی دیگر در رد بهره در این دوره تاریخی است. به این معنی که کسی که چیزی را قرض می‌دهد، دیگر مالک آن نیست تا فواید و بهره آن را دریافت کند، چرا که اگر حتی این پول سود و منفعتی ایجاد کند، متعلق به مالک آن، یعنی قرض گیرنده پول است. به ادعای تالز "قرض‌دهنده‌ای که سودی که متعلق به شخص دیگری است را دریافت می‌کند، خودش را به قیمت ضرر زدن به دیگری سودمند می‌کند"و واکانا[2] معتقد است"کسی که از پول سود می‌گیرد حال چه به صورت تکه‌های پول باشد یا هر چیز دیگری، چیزی را می‌گیرد که متعلق به او نیست و مانند این است که چیزی را می‌دزدد."(همان، ص۲۳)

آخرین استدلال که به نقل از باورک(1889) توسط آکیوناس مطرح می‌شود،"کالای عمومی بودن زمان" است. آکویناس عنوان می‌کند در قرض در واقع کالای زمان حال و آینده مبادله می‌شوند و قرض‌دهنده به دلیل این که پولش طی زمانی دست قرض‌گیرنده باقی می‌ماند، خود را مستحق دریافت مازاد می‌داند، گویی او به قرض‌گیرنده زمان فروخته است. در حالی که زمان یک کالای عمومی است و به رایگان از سوی خداوند به همه بندگان به یک اندازه داده شده است و به شخص خاصی تعلق ندارد.

۲-۱-۲- مدافعین بهره تا قبل از قرن هجدهم

قرن سیزدهم، اوج آموزه‌ها و عقاید کلیسا درباره بهره بود. «تا پایان قرن سیزدهم که کلیسا در اروپا حکومت می‌راند، ربا کاملا ممنوع و حرام بود. از نظر کلیسا انکار حرمت ربا به معنی ارتداد و خروج از دین شمرده می‌شد. چنین افرادی بعد از مرگ صلاحیت تکفین را نداشتند» (موسایی،۱۳۷۶، ص ۵). به این ترتیب مخالفت با بهره برای قرن‌های متمادی وجه غالب بود و به گفته باورک (۱۸۸۹)، تنها عاملی که مقابل این جریان قدرتمند ایستادگی می‌کرد، رفتار اقتصادی مردم بود. مردم به دلیل نیازهای اقتصادی خود، با روش‌ها و ابتکاراتی که اهل کسب و تجارت ابداع می‌کردند، نیازهای خود را علی‌رغم وجود جریمه‌های مادی و معنوی از سوی حکومت در مقابل دریافت و پرداخت بهره، تامین می‌کردند. با افزایش رونق اقتصادی در این دوران، استثناهایی مانند

1-Thomas Aquinas
2-Vaconius Vacuna

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

مشروعیت جریمه دیرکرد بازپرداخت وام، در ممنوعیت بهره رخ داد. اشاره شد که رد بهره در عهدین از کتب الهی آغاز شد و با نظرات عقلی که توسط فلاسفه ایراد شده بود، قوت یافت. با وجود فراز و فرودهایی که در اجرای قوانین به نفع یا ضد بهره صورت گرفت، دلیل محکمی در جهت رفع ممنوعیت بهره بیان نشد و تنها دلیل مشاهده شده، نه بیانات عقلی و مستدل، بلکه عدم تکافوی قرارداد قرض بلاعوض در پاسخگویی به نیازهای تجاری و کسب و کار مردم بیان شد و از این رو، به تدریج با دستیابی بیشتر ثروتمندان به قدرت سیاسی و کاهش نفوذ کلیسا در دستگاه حکمرانی، استثناها و قوانینی در جهت پذیرش بهره قوت گرفت. «از نقطه نظر یک جامعه ایده آل، مجوزی برای بهره وجود ندارد اما به دلیل نقص انسان نمی‌توان بهره را به طور مناسب از میان برداشت از این رو بهتر است که اجازه موجودیت بهره، ولی در حدود مشخص داده شود.» که این نظریه مورد قبول اصلاح گرانی مانند زواینگل[1]، لوتر[2] و ملانگتون[3] شد و خواستار مدارا با مساله بهره شدند. با این ترتیب در افکار عمومی پدیده‌ی عدول از اصول اساسی براساس شرایط زمانه شکل گرفت.(باورک، ۱۸۸۹، ص۲۷)

دلیل عده‌ای دیگر که باورک (۱۸۸۹) آن‌ها را «اصلاح گران بزرگ» یا «صاحبان فکر و اندیشه» می‌نامد، به حکم تجربه دریافته بودند بهره قرض لازم است. عده‌ای دیگر از منتقدین ممنوعیت بهره مانند کالوین(۱۵۰۹-۱۵۶۴م) اصلاح‌طلب و قاضی فرانسوی یعنی مولینیس[4] (1500-1566م) رویکرد جدیدی را در پیش گرفتند. آن‌ها استدلال‌های نقلی متکی بر شریعت را نفی نکردند ولی به تفاسیری که منجر به ممنوعیت بهره شده بود ایراد وارد کرده و اصرار داشتند ممکن است این قرائت از آموزه‌های شریعت صحیح نباشد یا حتی ممکن است خود استدلال‌های نقلی با تغییر شرایط، اعتبار خود را از دست داده باشند.

پیروان مکتب جدید(مکتب موافقین با بهره) که تفاسیر آموزه‌های شرعی را بی‌اعتبار یا ناصحیح قلمداد کرده و آن را برای ممنوعیت بهره کافی نمی‌دانستند، به نقد استدلال‌های عقلی رد بهره پرداختند. در این راستا کالوین(۱۵۰۹-۱۵۶۴م) استدلال عقیم بودن پول را ضعیف دانست چرا که به عقیده او سقف و دیوار خانه نمی‌تواند مولد پول باشد ولی وقتی استفاده و بهره‌گیری از خانه با پول مبادله شود، سود مشروع می‌تواند از خانه حاصل شود. مولینیس هم نازایی پول را این‌گونه نقد می‌کند: «بحث این که پول به خودی خود نمی‌تواند ثمر دهد مربوط به موضوع ما نیست زیرا حتی زمین بدون هزینه کردن تلاش و صنعت انسانی چیزی را پدید نمی‌آورد و کاملا در شیوه‌ای همسان

1- Zwingli
2- Luther
3- Melanchthon
4- Molinaeus

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

پول وقتی با تلاش انسان همراه شود ثمرات قابل توجهی ارائه می‌کند» (رجایی، ۱۳۸۵، ص۵۷). گروتیوس(۱۵۸۳-۱۶۴۵) [1]هم درباره حق استفاده از پول که نمی‌تواند از خود پول جدا شود می‌گوید اجباری در پذیرفتن استدلال‌هایی که بهره را مغایر با حق طبیعی فرض می‌کنند نیست[2]. در انتقاد از بهره طبیعی، مولینس استفاده از پول قرض گرفته شده را مانند سایر کالاها می‌داند فقط با این تفاوت که با پول ابتدا باید کالا خرید و سپس استفاده کرد. پس استفاده از پول می‌تواند از خود آن جدا باشد. در پاسخ به استدلال انتقال مالکیت در قرض هم بیان می‌کند فرد در فروش دارایی دیگری ذیحق است اگر این دارایی بدهی او باشد و در قرض همین مساله اتفاق می‌افتد. (باورک، ۱۸۸۹، ص۳۱)

به گفته سلماسیس[3](۱۵۸۸-۱۶۵۳) رباخواری به دلیل رقابت در عرضه وام، موجب کاهش نرخ بهره و خیر رساندن به جامعه می‌شود (همان، ص۳۹). جان لاک[4](۱۶۳۲-۱۷۰۴) اگرچه عقیم بودن پول را می‌پذیرد و آن را عاملی می‌داند که می‌تواند از طریق قرارداد آن سودی که پاداش نیروی‌کار است به جیب فرد دیگری منتقل کند، در توجیه بهره‌قرض به اجاره زمین اشاره می‌کند و می‌گوید منشا هر دو نابرابری توزیع است. یک فرد بیش از حدی که استفاده می‌کند پول دارد و دیگری بیش از نیازش زمین، پس با وجود بهره، فرد اول اجاره کننده‌ای برای پول خود و دومی اجاره کننده‌ای برای زمین خود پیدا می‌کند. این پول ظلم و ستم نیست چرا که پول قرض گرفته شده سودی بیش از ۶درصد برای قرض‌گیرنده ایجاد می‌کند، پس قرض مثل اجاره زمین است. (همان، ص۴۵)

البته گاهی که اندیشمندان دلایل عقلی در پذیرش بهره را کافی نمی‌دانستند و از طرفی تنها دلایل رد بهره هم دلایل نقلی برگرفته از کتب الهی بوده است، رای به ربا داده‌اند ولی به صورت محدود: « در نهایت کسانی که خود هم نمی‌توانستند دلیل قانع کننده‌ای به جز آن‌چه در شرع بیان شده بود بیابند به نرخ بهره محدود رأی می‌دانند و نه حذف کامل آن. از این دسته از اندیشمندان می‌توان به جوزیا چایلد[5]، بیسولد [6]و بکن[7] اشاره کرد(همان، ص۳۴).

1-Grotius
2- See Grotius, De Jure Pacis ac Belli, book ii. chap. xii. p. 22
3- Salmasius
4- John lock
5- josiah child
6- Besold
7- Bacon

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

۲-۱-۳- تحلیلهای اقتصادی موافقین بهره (دیدگاه‌های معاصر)

نقطه عطف تحلیل‌های بهره پس از قرن هجدهم بیان دلایل عقلی و استدلال‌های اقتصادی می‌باشد چرا که به دلیل ترویج روش‌شناسی پوزیتیویستی علم پس از دوران رنسانس، محافل علمی تکیه بر دلایل نقلی که برای آن استدلال عقلی و تحلیلی وجود نداشت نمی‌پذیرفت. از این رو در مباحثات بهره هم باب تازه‌ای گشوده شد. چه افرادی که بر ریشه‌های بهره معطوف شده بودند و چه آن‌ها که رویکرد کارکرد گرایانه را بر ذات گرایانه ارجح می‌دانستند، دلایل خود را بر تحلیل‌های عقلی و تجربی و عینی بنا نهادند. بنابراین با این روش و رویکرد، دلایل و ریشه‌های بهره در اندیشه دانشمندان قرون معاصر به طرق مختلف نمود می‌یابد. «گروهی منشاء آن را در نسبت پسینی با تولید و در مقام توزیع، معادل سود و ربح(ریکارد)، یا ماحصل کارگر(مارکس)، یا نرخ رشد سرمایه (نایت) و یا حتی برآمده از عامل تولیدی به نام صبر و امساک (Yeager، ۱۹۷۹)، دانسته‌اند و گروهی دیگر در نسبتی پیشینی با تولید، منشاء آن را در ارزش و رحجان زمانی خلاصه کرده‌اند که خود به دو دسته اقتصاددانان اتریشی سنتی(Rothbard,1921a; Bohm-Bawerk,1966; Mises,1871; Carl Menger,1996; Kirzner,1977; Fetter, 1970) و اتریشی‌های جدید(Reisman,1966,1986a; Pelengahr,2003; Murphy, 2002; Hulsmann, 1997,1999; Lewin,1996) تقسیم می‌شوند. عده‌ای در این میان رای به تلفیق این دو نظر داده‌اند(Fisher, Irving. 1907). برخی دیگر مساله را اساسا از فضای اقتصاد تولیدی خارج دانسته‌اند و آن را ما به ازای خدمات سرمایه، یا قیمت پول یا اعتبارات و پدیده‌ای پولی یا مالی (Maclachlan.1993, p56) و یا عامل تعادل بخش کل اقتصاد و واسطه بین نیروی‌های حقیقی و پولی (Wicksell. Knut.1936) و یا یک ابزار سیاستی برونزا (Cottrell.1994; smithin, 2003) عنوان کرده‌اند. صاحب نظرانی هم هستند که منشا امر را به خارج از مرزهای اقتصاد احاله داده و آن را پدیده‌ای اجتماعی(Takata 1935)، روانشناختی و یا قراردادی و برآمده از نهاد قدرت و یا نهادهای حقوقی(مالکیت) (Heinsohn & Steiger 1997) معرفی کرده‌اند» (به نقل از پیغامی، ۱۳۸۹، ص۵). پس همان‌طور که پیغامی(۱۳۸۹) اشاره می‌کند به طور کلی مناقشات بر سر چهار عامل پول، سرمایه مالی، اعتبار و زمان است که در این فضا از مناقشات ارزشی و نرمتیو به طور کلی فاصله گرفته شده است.کینز(۱۹۳۶) بهره را پاداش انصراف از نقدینه برای دوره مشخصی می‌داند. فیشر(۱۹۳۰) نظریه بهره را بخشی از نظریه قیمت‌ها می‌داند و آن را قیمتی برای معاوضه بین کالاهای حال و آینده بیان می‌کند. سنسینی[1] (۲۰۰۱) بهره را عاملی برای ربط دادن جریان مصرف به زمان می داند. به عبارتی وی بهره را ناشی از مبادله بین مصرف در زمان حال و آینده می‌داند.

1- Alvaro Cencini

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

بوم‌باورک(۱۸۸۹, ۱۸۹۱) در دو کتاب خود که چکیده تفکرات و نظریات بهره تا قبل از قرن هجده بوده است، تاثیر مهمی در مباحثات بهره داشته، ریشه‌های بهره را به دو دسته عوامل عینی و عوامل ذهنی یا روانی تقسیم می‌کند. عوامل عینی مولد بودن سرمایه و رشد جمعیت است که طرف عرضه اقتصاد را در برمی‌گیرد. عوامل ذهنی عبارتست از رجحان زمانی، رجحان نقدینگی و مطلوبیت نهایی کاهشی که به طرف تقاضای اقتصاد تعلق دارند. طرفداران نظریه مولد بودن سرمایه، سرمایه را علت مازاد تولید می‌دانند(باورک،۱۸۸۹؛ لادردیل[1](۱۷۹۵-۱۸۳۹)؛ سی[2](۱۷۶۷-۱۸۳۲). این مازاد می‌تواند تولید کالای بیشتر با سرمایه باشد که مولدیت فیزیکی نامیده می‌شود یا می‌توان تولید ارزش بیشتر باشد که مولدیت ارزشی است.

ریشه دیگری که برای بهره توسط پل ساموئلسن(۱۹۵۸) ارائه شد، رشد جمعیت است. جهت رسیدن به تعادل نرخ بهره باید برابر با نرخ رشد جمعیت باشد به همین دلیل به این نرخ بهره، نرخ بهره حیاتی می‌گویند. دسته دیگر از اندیشمندان، با دقت در ویژگی‌های ذاتی انسان، منشا بهره را در ذات او جستجو می‌کنند. نظریات ارائه شده توسط این گروه عبارتست از رجحان زمانی (باورک،۱۸۹۱؛میزز،۱۹۴۹؛ مورفی،۲۰۰۳) و رجحان نقدینگی(گزل،۱۳۸۳؛ کینز،۱۹۳۶). رجحان زمانی به انتخاب و ترجیح مصرف یک کالا در زمان نزدیکتر به مصرف همان کالا در زمان دورتر اشاره دارد.

بوم باورک(۱۸۹۱) برای اثبات برتری کالاهای حال نسبت به آینده از سه دلیل اقتصادی، روانشناختی و فنی استفاده می‌کند. دلیل اقتصادی را احتمال بهبود وضعیت اقتصادی فرد در آینده می داند که موجب می‌شود حتی فرد مبادرت به قرض و تعهد به پرداخت بیشتر در آینده کند.

باورک(۱۸۹۱)دلایل روانشناسی ترجیح زمان حال بر آینده را شامل سه دسته تصورات ناقص ما از خواست‌های ما در آینده، وجود نااطمینانی نسبت به آینده و نزدیک بینی افراد بر می‌شمرد. عامل فنی سومین دلیل ترجیح حال بر آینده از دید باورک است که همان مولدیت سرمایه است.(باورک، ۱۸۹۱، ۲۵۳-۵۹)

اروینگ فیشر(۱۹۳۰) هم در بررسی ترجیح زمانی که منشاء بهره است، ویژگی بی‌صبری انسان را عامل می‌داند و از آن‌جایی که افراد مختلف دارای درجات بی‌صبری متفاوتی هستند، معتقد است نرخ‌های رجحان زمانی و به تبع آن نرخ‌های بهره برای افراد مختلف متفاوت است. (فیشر،۱۹۳۰، ص۱۳)

1 -Lauderdale
2 -J.B. Say

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

رجحان نقدینگی برگرفته از اندیشه مارکس (۱۸۱۸-۱۸۸۳م) و زیمیل[1](۱۹۰۰) بـه ویژگـی خسـت انسان ناظر است و معتقد است نگاه داشت پول به خودی خود می‌تواند برای فرد مطلوبیت و لذت به همراه داشته باشد. طبق آن‌چه کینز آن را دام نقدینگی می‌نامد، به دلیل این لذت، افـراد اقـدام بـه نگهداری بخشی از ثروت خود به صورت پول نقد می‌کنند و از مصرف آن خودداری می‌کنند. به این دلیل بهره به عنوان پاداش انصراف از نقدینه، فرد را تشویق به مصرف خواهد کرد.

عده‌ای دیگر از اقتصاددانان، به دلیل اثرات منفی که بر اقتصاد دارد به دنبال محـدود کـردن آن هستند. این نظرات در قالب توصیه‌هایی جهت کاهش نرخ بهره حتی گاهی رسـیدن بـه نـرخ بهـره صفر، آشکار می‌شود.(اله، ۱۹۴۷، سوان، ۱۹۵۶، ساموئلسن، ۱۹۵۸، فلپس، ۱۹۶۱، فریدمن، ۱۹۶۹)

۲-۲- سیر تاریخی مفهوم ربا و بهره نزد اندیشمندان مسلمان

در اصطلاح اقتصاددانان، واژه ربا خیلی به کار نمی‌رود."نزدیکترین واژه مورد اسـتعمال اقتصـاددانان، کلمه «بهره» است که رابطه‌اش با ربا، عام و خاص است. نقطه اشتراک ربا با بهره فقط در حوزه بهره قراردادی آن هم زمانی که قرارداد از نوع قرض یا بیع کالاهـای همجـنس باشـد، تحقـق مـی‌یابـد" (موسویان، ۱۳۸۰، ص۲۳۳).

عامل اصلی ترویج ربا در جزیره العرب، مهـاجران یهـودی فلسـطین و یمـن بودنـد کـه در ازای پرداخت وام، بهره‌دریافت می‌کردند. بین مسیحیان هم قرض با بهره رایج بود که طبق پیمـان صـلح با پیامبر(ص) مسیحیان نجران متعهد شدند«ربا نخورند و هر کس مرتکب رباخواری شود، از پیمـان خدا و رسولش خارج شده است»که بعدها به دلیل پیمان شکنی توسط عمر کوچانده شدند[2] منظور از این ربا که در تورات و انجیل حرام شده بود، همه انواع قرض با بهره است.

انواع دیگری از ربا هم در عصر جاهلیت رایج بـود. ربـای مشـروط در قـرض کـه توسـط ابـوبکر جصاص(متوفای سال ۳۷۰ق) درباره ربـای جـاهلی بیـان شـده: «ربـایی کـه عـرب مـی شـناخت و می‌گرفت عبارت بود از قرض دادن درهم و دینار تا مدت زمانی مشخص، در مقابل مبلغـی بـیش‌تـر که دو طرف بر آن راضی باشند». کیأهراسی(متوفای سال ۵۰۴ ق) هم ربای جاهلیت را قـرض دادن درهم و دینار در مقابل دریافت مبلغی زیادتر گزارش کرده است.[3]

1- Simmel

۲- الاموال، ص۲۰۲، ح۵۰۴؛ فتوح البلدان، ص۷۶ و ۷۷ به نقل از ربا، بخش فرهنگی جامعه مدرسین حوزه علمیـه قم، ص۸۶ و ۸۷

۳- ابوبکر جصّاص، احکام القرآن، ج۲، ص ۱۸۴ و کیأهراسی، احکـام القـرآن، ج۱، ص۲۳۲ بـه نقـل از ربـا، بخـش فرهنگی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم،ص۷۸

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

بنابراین از مجموع بررسی‌ها می‌توان نتیجه گرفت ربا در عصر جاهلیت در جزیره العرب، در دو مورد قرض و تمدید مهلت، مانند سایر جوامع رایج بوده است. یعنی گاهی قرض موجب دریافت ربا بوده و گاهی تمدید مهلت در یک بدهی موجب دریافت مازاد می‌شده است.

۲-۲-۱- استدلال‌های مخالفین ربا

با ورود اسلام به جزیره‌العرب، بعد زندگی اقتصادی هم مانند سایر ابعاد تحت تاثیر قرار گرفت. قبل از اسلام قراردادها بیشتر مبتنی بود بر قرض‌های ربوی، معاملات نسیه، معاملات سلف و مضاربه‌ای که زیان احتمالی برعهده تاجر است. پس از اسلام پیامبر(ص) بعضی مانند قرض ربوی را کاملا ممنوع و بعضی مانند مضاربه و سلف را اصلاح و تعدیل کردند. اسلام نوعی ربا یا فزونی در مال را که ناشی از کار و تلاش نیست نهی می‌کند. این فزونی در مال در مقابل بیع قرار می‌گیرد. بیع برخلاف ربا، نه تنها نهی نشده، بلکه چون در اثر کسب و تجارت و تولید است، مورد تشویق هم قرار گرفته و این دو از یکدیگر متمایز شده‌اند[۱].

چهار دلیل برای تحریم ربا وجود دارد که عبارتند از آیات قرآن، حدیث، اجماع و عقل (مکارم شیرازی،۱۳۸۰؛ مطهری،۱۳۷۱؛ موسوی بجنوردی، ۱۳۷۹).

۲-۲-۲-۱- تحریم ربا در قرآن

دو نظر درباره تحریم ربا در قرآن وجود دارد که یکی به دلیل گسترگی عمل رباخواری در جزیره العرب در عصر نزول دین، تحریم ربا را تدریجی می‌داند به طوری که قائلین معتقدند خداوند ابتدا با فرستادن آیاتی زمینه تحریم را فراهم و تدریجا آن را تحریم کرده است. این نظریه اولین بار توسط استاد اسماعیل خلیل در سال ۱۳۲۶ قمری ضمن سلسله درس‌هایی در قاهره بیان شد. سپس دکتر محمدعبدالله دراز آن را در کنفرانسی که در سال ۱۹۵۱م در پاریس تشکیل شده بود، مطرح ساخت و در کتاب‌الربا فی نظرالقانون الاسلامی منتشر کرد و بعد از وی دانشوران زیادی به تبعیت از او یا با تحقیق مستقل، این نظر را پذیرفتند (موسویان، ۱۳۸۰). اما برخی دیگر معتقد به دفعی بودن حکم تحریم ربا هستند مثلا با استناد به روایتی در کتاب کافی از امام صادق(ع) دلیل تکرار آیات نه تدریجی بودن حکم که تاکید بر تحریم و یادآوری اهمیت آن بیان شد است[۲].

حداقل هفت آیه قرآن به وضوح تحریم ربا را ثابت می‌کند(مکارم شیرازی،۱۳۸۰؛ موسوی بجنوردی، ۱۳۷۹). آیه ۲۷۵ سوره بقره به حال رباخواران در قیامت می‌پردازد که مانند دیوانگان یا

۱- مراجعه شود به تفسیر آیه ۲۷۵ سوره بقره: «ذالک بأنهم قالو إنما البیع مثل الرّبا و احلّ البیع و حرّم الرّبا»

۲- سماعه می‌گوید: به امام صادق (ع) گفتم خداوند متعال مساله ربا را در چندین آیه آورده و تکرار کرده است. امام فرمود آیا دلیل آن را نمی‌دانی؟ گفتم نه فرمود به این دلیل است که مردم کارهای نیک مانند (قرض‌الحسنه) را ترک نکنند.(مساله ربا به ضمیمه بانک، شهید مطهری، ۱۳۷۱،ص۵۴)

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

افراد مصروع نمی‌توانند تعادل خود را حفظ کنند چرا که این‌ها همان افرادی بودند که با رباخواری تعادل زندگی افراد جامعه را برهم زده بودند. آیه ۲۷۶ سوره بقره هم بین مفسرین اختلاف است که به نابودی درآمدهای حاصله از ربا در این دنیا یا بی ثمر بودن آن‌ها در آخرت اشاره دارد هر چند در راه خدا انفاق شود، مفسرین هر دو معنی را گرفته‌اند. ابتدای آیه با مذمت و تهدید رباخواران و آخر آن به حرمت ربا اشاره دارد چرا که نسبت «کفر» به رباخواران داده شده است و هم نسبت اثم که تاکیدی برمعنای کفر است(مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ص۲۹).

در آیات ۲۷۸ و ۲۷۹ سوره بقره ابتدا با لحنی آرام با افرادی با ایمان و خداجو صحبت می‌کند و درخواست می‌کند «ای کسانی که ایمان آورده‌اید تقوای الهی پیشه کنید و آن‌چه از مطالبات ربا باقی مانده رها سازید اگر ایمان دارید». در آیه بعد به شدیدترین لحن، یعنی رباخواری را هم تراز با جنگ با خدا و رسول، اعلام کرده استاین گونه تعبیر در قرآن تنها درباره ربا بیان شده است و در هیچ گناه کبیره دیگری بیان نشده که نشان‌دهنده مضرات قابل توجه اجتماعی و اقتصادی رباست چرا که این کار ستیزه جویی با افراد مستضعف بشری است و اسلام در هر حال مدافع مستضعفان است. (شیخ طوسی، التبیان،۳۵۹/۲؛ موسوی سبزواری، ۴۱۶/۴ به نقل از شیرزاد، ۱۳۹۴، ص۱۳۶؛ زنجانی۱۳۶۶).

آیات ۱۳۰ و ۱۳۱ سوره آل عمران به گفته مفسران به نوع خاصی از ربا یعنی ربای مضاعف اشاره دارد ولی ربای معمولی را مجاز نشمرده بلکه نسبت به آن ساکت است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ص۳۱). این مرحله از تحریم ربا به ربای فاحش معروف است که عبارتست از این که به اصل سرمایه سود تعلق گیرد و اصل سرمایه بعلاوه سود هر دو مورد ربا قرار گیرند و مجددا مشمول ربا شوند. یعنی"سود به اضافه سرمایه"سرمایه جدیدی را تشکیل دهد و به این ترتیب در مدت کمی از راه تراکم سود، مجموع بدهی بدهکار به چندین برابر اصل بدهی افزایش یابد. آیات ربا در سوره بقره به گفته قائلین به تحریم تدریجی، شدیدترین بیان و تهدید برای رباخواران است. در این مرحله رباخواری به صراحت آیات۱۶۰ و ۱۶۱سوره نساء که به موضوع مذمت عمل رباخواری یهودیان بیان می‌شود، نشان‌دهنده حکم تحریم ربا نه تنها برای مسلمانان که برای یهودیان هم جاری بوده است.

۲-۲-۲-۲- تحریم ربا در روایات

دلیل دوم، حرمت ربا در روایات و سنت و سیره پیامبر (ص) و ائمه (ع) است. از رسول الله (ص): " من أكل الربا ملا الله عزوجل بطنه من نار جهنم بقدر ما أكل، وان اكتسب منه مالا لا يقبل الله تعالى منه شيئاً من عمله، ولم يزل فى لعنة الله والملائكة ما كان عنده منه قيراط[۱]" هر کس ربا بخورد

۱- بحار الانوار(ط-بیروت) ج ۷۳، ص ۳۶۴، ح ۳۰ (شبیه این حدیث در ثواب الاعمال ص ۲۸۵)

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

خداوند عزوجل به اندازه ربایی که خورده شکمش را از آتش دوزخ پرکند و اگر از طریق ربا مالی به دست آورد، خدای تعالی هیچ عمل او را نپذیرد و تا زمانی که قیراطی (کمتر مقدار) از مال ربا نزدش باشد، پیوسته خداوند و فرشتگانش او را نفرین کنند. به فرموده امام باقر(ع): "أخبث المکاسب کسب الربا" خبیث‌ترین کسب‌ها کسب رباست[۱]. به نقل از پیامبر(ص): " إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَعَنَ آکِلَ الرِّبَا وَ مُؤْکِلَهُ وَ کَاتِبَهُ وَ شَاهِدَیْهِ[۲]" خدای عزوجل رباخوار و ربا دهنده و نویسنده و شاهد بر آن را لعنت کرده است. امام صادق(ع):"درهم ألربا اعظم عندالله من سبعین زنیه کلها بذات محرم فی بیت الله الحرام[۳]" یک درهم ربا نزد خداوند گناهش بزرگتر است از هفتاد بار زنا با محرم در بیت الله الحرام. امام رضا ع:"دلیل حرمت ربا را وجود فساد و شیوع ظلم درآن است.

۲-۲-۲-۳- اجماع، سومین دلیل رد ربا

به گفته شیخ محمد طوسی علما اجماع دارند بر این‌که ربا از گناهان کبیره است(موسایی، ۱۳۷۶، ص۱۹). صاحب جواهر پس از ادعای اجماع برحرمت ربا و بیان این که بعید نیست که این حرمت از ضروریات دین باشد می فرمایند:"ربا حرام است از نظر قرآن و سنت و اجماع مومنین بلکه اجماع مسلمانان بلکه بعید نیست که حرمت آن از ضروریات دینی باشد. پس کسی که آن را حرام نمی‌داند در مسلک کافران قرار می‌گیرد[۴]."همچنین ابن قدامه هم که از علمای اهل سنت است، یکی از دلایل حرمت ربا را اجماعی می داند: «ربا در لغت به معنای زیاده است... و از نظر قرآن و روایات و اجماع، حرام است[۵]». امام خمینی(ره) در تحریرالوسیله حرمت ربا را اجماعی می‌داند و بعید نمی‌داند که از ضروریات دین باشد: بدرستی ثابت شده است حرمت ربا بوسیله قرآن و سنت و اجماع مسلمانان بلکه بعید نیست که از ضروریات دینی باشد و از گناهان بزرگ است و بدرستی سرزنش شده است در قرآن و بسیاری از روایات.

۱- وسایل الشیعه، ج۱۲، ابواب الربا، باب۱، حدیث۲

۲- من لایحضره الفقیه، ج۴، ص۸،ح ۴۹۶۸- امالی(صدوق)ص۴۲۵، ح۱

۳- حار الانوار(ط-بیروت) ج ۱۰۰ ، ص ۱۱۷ ، ح ۱۳ - تفسیر نور نورالثقلین ج ۱، ص ۲۹۵، ح ۱۱۷۷

۴- الفصل السابع فی الربا المحرم کتابا و سنۀ و اجماعا من المؤمنین بل المسلمین بل لا یبعد کونه من ضروریات الدین فیدخل مستحله فی سلک الکافرین، جواهر الکلام، جلد ۲۳، صفحه ۳۲۲

۵- الربا فی اللغۀ هو الزیادۀ ... و هو محرم بالکتاب و السنۀ و الاجماع ... و اجمعت الامۀ علی ان الربا محرم، المغنی، جلد ۴، صفحه ۱۳۳.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

۲-۲-۲-۴- عقل، چهارمین استدلال رد ربا

چهارمین دلیل حرمت ربا عقل است: براساس این که"هرآن‌چه که عقل به آن حکم کند شرع نیز به آن حکم کند و هر آن‌چه شرع به آن حکم کند عقل نیز به آن حکم کند". اگر چه در این باب عده‌ای معتقدند حرمت ربا یک حکم تعبدی است و نیاز به توجیه عقلایی ندارد، اما مطهری(۱۳۷۱) با ارائه دو استدلال به اثبات عقلی تحریم ربا پرداخته است. جدا شدن مالکیت از مالک پول در عقد قرض و تحریم ربای معاملی بعلت ممانعت از ربای قرضی دو دلیل عقلی تحریم ربا بیان کرده است. مکارم شیرازی(۱۳۸۰) هم رباخواری را ظلم و منشأ فساد می داند: رباخواری ظلم فاحش و آشکار است و حرمت ظلم از مستقلات عقلیّه است، بنابراین رباخواری عقلا زشت و حرام می‌باشد، افزون بر این رباخواری منشأ مفاسد زیادی است که قبح آن‌ها نیز از مستقلات عقلیّه است (مکارم شیرازی،۱۳۸۰، ص۴۴).

۲-۲-۳- توجیهات و حیل ربا

تا صدسال پیش همه فقیهان و مفسران، ربا و قرض‌های ربوی را حرام دانسته و آن را جزء گناهان کبیره می‌دانستند و بحثی بر سر حرمت و حلیت قرض‌های ربوی نبود. «مطابق نظریه تدریج خداوند در سال‌های آخر عمر شریف پیامبر(ص) با فرستادن آیه‌های صریح و قاطع سوره بقره ربا خواری را از جامعه سلام ریشه کن کرد، به طوری که تا صدسال اخیر و رواج بانکداری ربوی درکشورهای اسلامی، ربا و رباخواری ازمعاصی بزرگ شمرده می‌شود و کم‌تر کسی نزدیک آن می‌شد(موسویان، ۱۳۸۷). از صد سال پیش به بعد با گسترش بانکداری ربوی در کشورهای غربی و کشیده‌شدن دامنه فعالیت این بانک‌ها به کشورهای اسلامی، علمای مسلمان که کارکرد این بانک‌ها را در جمع‌آوری پس‌اندازهای اندک و تخصیص آن به تولید و تجهیز منابع دیدند، به دنبال راه‌حلی برای رفع موانع بر سرگسترش این نوع بانکداری در کشورهای مسلمان، به ارائه تفاسیر متفاوت از آیات و روایات موجود و متفاوت خواندن شرایط عصر جاهلیت با قرون و اعصار کنونی پرداختند تا اثبات کنند منظور از ربای محرم در آیات و روایات با آن چه امروزه و در بانک‌های امروزی رایج است متفاوت است. از اولین افرادی که به دنبال ارائه فتوایی درباه تفاوت ربا و بهره بانکی در جهت تجویز سپرده‌گذاری در بانک‌ها بودند می‌توان (به نقل از جواهری،۱۳۹۰، ص۱۱۵) به رشیدرضا[1]، جاویش(۱۹۵۰)، عبدالوهاب (۱۹۵۱)، شلتوت (۱۹۶۱)، سنهوری(۱۹۵۰)[2] اشاره کرد. گروهی دیگر این دلایل را کافی ندانستند و با پذیرفتن ربوی بودن سیستم بانکداری غربی، بانکداری بدون ربا را پیشنهاد کردند.

۱- رشیدرضا، الرباوالمعاملات فی الاسلام، ص۱۳۹

۲- سنهوری، مصادر الحق، ج، 3ص.۲۳۳

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

۲-۲-۳-۱- نظریه‌ربوی بودن زیاده در اثر تمدید مهلت قرض

زیاده‌ای مصداق ربای محرم است که برای تمدید مدت بدهی به قرض‌گیرنده تحمیل می‌شده است. این ربا براصل قرض نبوده بلکه جریمه‌ای برای تاخیر بود. محمد رشیدرضا (بی تا) در ذیل آیه ۱۳۰ سوره آل‌عمران می‌گوید: مراد از ربا در این آیه، ربای جاهلی است؛ ربایی که طبری درباره آن می‌گوید: رباخواری مردم در زمان جاهلیت به این صورت بود که وقتی کسی طلبی داشت و موعد آن می‌رسید، بدهکار می‌گفت: طلب را به تاخیرانداز تا آن را اضافه کنم. سپس چنین می‌کرد و این همان ربای «اضعافا مضاعفه» بود که خداوند در اسلام نهی کرد (رشیدرضا، بی تا، ج۳، ص۱۱۶).

در پاسخ به این استدلال موسوی(۱۳۹۱) بیان می‌کند اشکال رشید رضا (بی تا) این است که فقط یک نوع از قرض‌های عصر جاهلی را دیده بلکه علاوه بر نوع ربا، نوع قرضی که شامل زیادی در عقد قرض بوده هم در آن زمان رواج داشته است. از طرفی عامل رواج رباخواری در شبه جزیره عربستان یهودیان و مسیحیان بودند و ربای رایج بین آن‌ها به گواه نصوص تورات و انجیل، گرفتن زیادی در عقد قرض بوده است. بعلاوه تمسک به روایات روشن و آشکار میان شیعه و اهل سنت اشتراط هر گونه زیاده در قرارداد قرض را ربا می‌داند مانند روایت اهل تسنن از پیامبر اکرم (ص) که فرموده‌اند: « هر قرض که نفعی به همراه داشته باشد رباست»[۱].

۲-۲-۳-۲- نظریه حرام بودن بهره مضاعف و نه بهره عادلانه

دیدگاه دیگر معتقد است ربایی را قرآن نهی کرده است که مضاعف است یعنی گاهی تا چند برابر اصل وام هم می‌رسیده است. در ایران نیز برخی از حقوقدانان با استناد به این دلایل، نرخ بهره معتدل (تا ۱۲درصد) را غیر از ربا دانسته، تصویت قانون عملیات بانکداری بدون ربا را ناشی از اشتباه ارائه کنندگان قانون در یکسان انگاشتن ربا و بهره می‌دانند(کاشانی، ۱۳۷۶، ص۹۵).

نقدهای موجود برای این حکم عبارتند از: این بیان که بهره تا چند برابر اصل بدهی می‌رسیده مردود است چرا که گاهی چنین اتفاقی رخ می‌داده است ولی این وجه غالب قرض‌ها نبوده و به طور معمول نرخ‌های بهره بین۲۰ تا۳۰درصد بوده است (شریف، ۱۹۶۵، ص۲۱۲-۲۱۴). از طرفی طبق آیه ۲۷۹ سوره بقره، حق‌برداشت فقط برای اصل مال است و اگر بهره هر چند اندک مجاز بود، ذکر می‌شد به جای اصل مال، اصل مال بعلاوه بهره معتدل، در صورتی که چنین چیزی نیست در صورتی که هر مازادی کم یا زیاد رباست (قرضاوی،۱۳۸۰، ص۱).

همچنین طبق روایات، علی‌بن‌جعفر از برادرش موسی بن‌جعفر (ع) نقل می‌کند: از ایشان در مورد مردی سوال کردم که به دیگری صددرهم می‌دهد و با او شرط می‌کند که پنج‌درهم یا کمتر یا بیشتر به وی بپردازد. امام فرمود: این همان ربای محض است.

۱- مراجعه شود به مالک، بی تا، ج۲،ص۶۸۱/شوکانی،۱۴۱۳ ،ج۵، ص ۲۶۲

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

بعلاوه معنای تحت‌الفظی «اضعاف مضاعفه» شش برابر یا ۶۰۰ درصد می‌شود در حالی که هیچ وقت قرضی با بهره ۶۰۰ درصد نمی‌شده که قرآن از آن نهی‌کند و این تعبیر قرآن کنایی بوده است. (موسویان، ۱۳۸۰)

۲-۲-۳-۳- نظریه تفاوت قرض‌های مصرفی و تولیدی و تجاری و ربا بودن زیاده در قرض‌های مصرفی

قرض‌های عصر جاهلیت مصرفی بوده و به دلیل ناتوانی بر بازپرداخت، قرض‌گیرنده به مشقت می‌افتاده پس نشانه ظلم و اکل مال به باطل بوده و دلیل حرمت آن هم همین است. ولی قرض‌های تجاری و تولیدی، برای تولید و استمرار تولید و کسب سود است، پس چون وام گیرنده از این پول سود می‌برد، اگر بخشی از سود را در قالب بهره به وام‌دهنده بپرازد، ظالمانه نخواهد بود.از علمای طرفدار این نظریه، آیت الله بجنوردی (بجنوردی، ۱۳۷۷، ص۴۳۳) و آیت الله صانعی (صانعی، ۱۳۸۳، ص۲۸)، رشیدرضا (بی تا)، مصطفی الرزقا[1]، عبدالرحمن حصینی(۱۴۰۹)[2] و احمدسالم محمد(جواهری، ۱۳۹۰، ص۱۱۵) می‌باشند. آیت‌الله صانعی بعد از توضیح قرض و ربای تولیدی می‌گوید: مشهور فقیهان، به اطلاق و عموم روایات و آیات استناد کرده و آن (ربای تولیدی) را تحریم کرده‌اند، ولی مدعای ما این است که این رقم حرام نیست و ادله تحریم، شامل آن نمی‌شود(صانعی، ۱۳۸۳، ص۳۱). استدلال دیگر ناظر به آیات ۲۷۸ و ۲۷۹ سوره بقره است که برخی از مفاد آن ربای مصرفی را برداشت کرده‌اند. عده‌ای دیگر اکل مال بالباطل را فقط در قرض‌های مصرفی می‌دانند و نه تولیدی. برخی دیگر بحث را به میدان دیگر کشانده و از نیاز زندگی امروز صحبت می‌کنند. این افراد قرارداد ربای استنتاجی را باعث رونق تولید و تجارت می‌دانند و از این رو آن را مطابق با سیره عقلا معرفی می‌کنند.آیه ۲۷۶ سوره بقره هم که ربا را منافی صدقه و انفاق می‌داند، به ربای مصرفی تعبیر شده است. (رفیق المصری، ۱۴۰۷، ص۱۵۲/صانعی، ۱۳۸۳)

منتقدین معتقدند آیات و روایات ربا نوع وام و قرض را مشخص نکرده‌اند و هر قرضی که اشتراط بر زیاده شود را شامل می‌شود حال چه مصرفی و چه تولیدی باشد. به اعتقاد مفسران آیات ۲۷۹ سوره بقره و ۳۹ سوره روم به وام‌های سرمایه‌گذاری اشاره می‌کند و در نهایت این نظریه به گفته مفسران(مطهری، ۱۳۷۱، ص۱۶۲) با بررسی‌های فنی آیات رد و مردود است. استدلال دیگر در رد این نظریه تمسک به روایات است. روایات ربا را به سه دسته تقسیم کرده اند که دسته اول اطلاق دارند و قرض‌های سرمایه‌گذاری و مصرفی را شامل می‌شوند. دسته دوم قرض‌های سرمایه‌گذاری را در برمی‌گیرند و دسته سوم ناظر بر قرض‌های مصرفی‌اند.

۱- مصطفی الرزقاء، المشکلات العصریه فی میزان الشریعه الاسلامیه، مجله البعث، سال ۱۳۸۸ه ق، ج۱۳، ص۷۰

۲- «فوائد البنکیه بی‌الاباحه و التحریم»، العث الاسلامی، ربیع الاول ۱۴۰۹، مجلد۳۲، شماره ۷

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

براساس اسناد تاریخی، بیشتر قرض‌های ربایی میان اعراب جاهلی از نوع تجاری و سرمایه‌گذاری بوده است. گروهی معتقدند پیش فرض این نظریه این است که قرض‌های تولیدی همیشه سودده هستند. در صورتی که اولا ممکن است سود قرض گیرنده کمتر از مقدار ربایی که شرط شده است باشد و از طرفی برخی از قرض‌های مصرفی برای نیازهای ضروری نیست. به اعتقاد منتقدین دلیلی اصلی ظلم بودن مازاد در قرارداد قرض چه از نوع تولیدی و چه از نوع مصرفی، نوع قرارداد است که قرارداد قرض قراردادی تملیکی و دریافت مازاد، دریافت از اموال دیگری است و از این لحاظ ظلم محسوب می‌شود (مطهری، ۱۳۷۱، ص۱۷۲).

دسته دیگر استدلال‌ها به حلیت ربا براساس سیره عقلا با توجه به نیازهای اقتصادهای امروزی ناظر است و گفته می‌شود شارع مقدس از آن نهی نکرده است. این استدلال بیان می‌کند بسیاری از عقلا درطول تاریخ به دلیل این که بهره مانع از تولید و اشتغال است و هر چه نرخ بهره بالاتر باشد اثر محدودکنندگی بیشتری بر اقتصاد دارد، با بهره مخالف بوده اند. همچنین استدلال می شود اسلام برای تامین نیازهای مصرفی با اعطای صدقات و قرض‌الحسنه و تامین نیازهای سرمایه‌گذاری از طریق تجارات و مضاربه پیشنهاد می‌کند.

۲-۲-۳-۴- تفاوت ربا و بهره بانکی

دیدگاه دیگر بیان می‌کند بین بهره و ربا تفاوت ماهوی وجود دارد(شیخ دکتر طنطاوی (الاحرام، ۱۹۸۹)؛ شیخ واصل (الاتحاد، ۱۹۹۷) به نقل از محمود الغمل، ۲۰۰۱، ص۲؛ غنی نژاد، ۱۳۷۶). غنی نژاد(۱۳۷۶) بیان می‌کند ربا درآمد ثابت از پیش تعیین شده است در صورتی که بهره درآمد متغیر غیر قابل پیش‌بینی است و آن‌چه در اسلام ممنوع است بازده ثابت از پیش تعیین شده است نه نرخ بازده نامشخص به صورتی که در سودهای بانکی مطرح می‌شود. از طرفی ربا عایدی پول به عنوان واسطه مبادله است در صورتی که بهره، بازدهی پول به عنوان سرمایه است. یعنی در حالت اول پول وسیله مبادله بوده و دریافت مازاد، ربا تلقی می‌شود ولی درحالت دوم پول به عنوان سرمایه در نظر گرفته می‌شود و مازاد آن به عنوان بازدهی سرمایه است.

موسویان (۱۳۹۱) به استناد به روایاتی که از طریق شیعه و اهل سنت وارد شده، ثابت یا متغیر بودن زیاده را رد کرده و بیان می‌کند همین که مقدار زیاده‌ای بر اصل وام شرط شود رباست. در پاسخ به دلیل دیگری که غنی‌نژاد بیان می‌کند در تفاوت بین عایدی پول به عنوان واسطه مبادله و وسیله سرمایه‌گذاری، موسویان(۱۳۹۱) استدلال می‌کند اولا چه در صدر اسلام و چه در جوامع مدرن ربا را به عنوان هزینه استفاده از پول در نظر می‌گیرند که از این نظر تفاوتی نیست. ولی اسلام بهره واقعی و بازدهی واقعی سرمایه را از جمله سرمایه نقدی را می‌پذیرد ولی آن را در قالب

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

قرارداد قرض به عنوان ربا تحریم می‌کند و افراد را مکلف مـی‌کنـد بنـابر شـرایط و دلخـواه خـود از قراردادهای دیگری مانند بیع، اجاره، مضاربه، مزارعه و مساقات استفاده کنند(همان، ۲۸۵).

در این مباحثه هم هر دو طرف به آیات و روایات استناد می‌کنند. نگارنده سـعی مـی‌کنـد بـین ربای محرم و بهره بانکی تفاوت قائل شود ولی با بررسـی در متـون فقهـی و شـرایط اقتصـاد امـروز، منتقد این رای و نظر را رد می‌کند. این‌جا هم منابع هر دو طیف از آیـات و روایـات و منـافع فقهـی است. ولی بـه طـور کلـی بـا نگـاهی بـه مجموعـه دلایلـی کـه در موافقـت بـا بهـره مطـرح شـد و استدلال‌هایی که سعی در رد این دلایل بیان شد می‌توان فهمید تلاش‌ها و کشمکش‌ها از یـک سـو به منظور اثبات حلیت بهره و از سوی دیگر پافشاری بر رد این استدلال‌ها و اثبات حرمت آن اسـت. دلیل این امر در یک مساله است و آن هم کارکرد گسترده بانکداری ربوی و فایده این بانکـداری در تجهیز و تخصیص و هدایت منابع به سمت سرمایه گـذاری‌هـای بزرگتـر و تولیـد و ایجـاد اشـتغال بیشتر. اکثر موافقین به منظور رفع موانع گسترش ایـن نـوع بانکـداری پـای در عرصـه ایـن رقابـت گذاشته و سعی در ارائه تفاسیر متفاوت از ربـای عصـر جاهلیـت و عصـر کنـونی، متفـاوت دانسـتن قرض‌های مصرفی و تولیدی، متفاوت دانستن ربا و بهره بانکی و سایر دلایل ارائه شده داشته‌اند.

۲-۲-۳-۵- نرخ بهره بانک مرکزی سیاستی است و ربا نمی‌باشد

کیایی(۱۳۸۶) و ندری و کیایی(۱۳۸۷) نرخ بهره سیاستی و فرآینـد سیاسـتگذاری بانـک مرکـزی براساس نرخ بهره را مشول ادله حرمت ربا نمی‌دانند و معتقدند حکـم فقهـی متفـاوتی دارد. از دیـد آن‌ها ربا در صورتی است که قرض بین دو فرد حقیقی بوده و اضافه‌ی شرط شده‌ای تضمین شـود و چون چنین مبادله‌ای باعث ظلم، بی‌عدالتی و تعطیلی کسب و کار و ترک قـرض‌الحسـنه و کارهـای خیر است حرام است، در صورتی که بانک‌های مرکزی در تمام کشورها یک نهاد دولتی است که بـه دنبال اعمال سیاست‌های پولی و ایجاد شرایط تعادلی فضای کسب و کار اقتصادی اسـت کـه هـدف آن کسب سود نمی‌باشد.

دلیل دیگر این است که در اوراق‌قرضه بانک مرکزی نوعی از سـند کـه از سـوی بانـک مرکـزی صادر می‌شود (پول) با نوعی دیگری از سند (اوراق قرضه) که آن هم از سـوی بانـک مرکـزی صـادر می‌شود، تبدیل می‌گردد و در این بین افرادی که راضی می‌شوند سند قابل مبادله (پول) را به سـند غیرقابل مبادله (ارواق قرضه) تبدیل کنند، مستحق دریافت پاداش هستند چرا که با بانـک مرکـزی در بهبود اوضاع اقتصادی کشور همکاری می‌کنند که این نوعی از خودگذشتگی به نفع همه جامعـه است پس باید مورد تشویق قرار گیرند.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

موسویان و میسمی (۱۳۹۳) مدعی شده‌اند دارندگان این اوراق نگاه خرد به پول دارند نه کلان و نیت خیرخواهانه، یعنی خواهان دریافت سود بدون ریسک هستند. همچنین نیت خیرخواهانه دلیل برحلال بودن حرمت ربا نمی‌شود.

همچنین آن‌ها معتقدند آن‌چه در واقع در بازار پول اسلامی اتفاق می‌افتد رابطه بازار پول با بخش واقعی اقتصاد طی عقود فروش اقساطی، مرابحه و مضاربه و غیره است و همچنین آیات و روایات حرمت ربا نه تنها رابطه اشخاص حقیقی و ربای فردی را شامل می‌شود بلکه اشخاص حقیقی و حقوقی مانند بهره پرداختی توسط بانک‌های تجاری به سپرده‌گذاران، ربای بین مردم و دولت مانند اوراق‌قرضه دولتی و هم رابطه بین بانک‌مرکزی و مردم و سایر بانک‌ها مانند اوراق‌قرضه بانک مرکزی و نرخ بهره سیاستی را نیز در برمی‌گیرد و به اتفاق نظر قاطبه علما و فقها ربا می‌باشد و داخل در مقوله حرمت قرار می‌گیرد.

نیلی(۱۳۸۳) هم نرخ بهره سیاست‌گذاری بانک مرکزی را متغیری ضروری برای مدیریت حجم پول در اقتصاد دانسته و تلاش نموده آن را خارج از شمول حرمت ربا در روابط تجاری مطرح نماید. اما به گفته موسویان و میسمی(۱۳۹۳) آن‌چه درباره ظالمانه بودن ربا مطرح شده حکمت حکم است نه دلیل آن از این رو اگر جایی حتی اثبات هم شد که ربا ظالمانه نیست، مانند آنچه در بانک مرکزیست، باز هم مجوزی برای ربا نخواهد بود و نمی‌توان با تسامح برخورد کرد.

۲-۲-۳-۶- ربا همان بهره قراردادی است که حرام است در صورتی که بهره طبیعی مجاز است

دسته‌ای از اقتصاددانان مانند فرزین‌وش و ندری(۱۳۸۱) سعی کرده‌اند بین«بهره طبیعی» و «بهره قراردادی» تمایز و تفاوت قائل شوند. به عقیده آن‌ها آن‌چه در اسلام حرام شده است بهره قراردادی است نه بهره طبیعی. آن‌ها استدلال می‌کنند بدون نرخ بهره که ارزش درآمدهای حال را در مقابل درآمدها آتی تعیین می‌کند، تنزیل درآمدهای آتی به ارزش فعلی امکان‌پذیر نیست. پس تعیین قیمت کالاها امکان‌پذیر نخواهد بود. این نرخ بهره است که عرضه و تقاضای فعالیت‌های اقتصادی را برابر ساخته و تعادل در کل نظام قیمتی به وجود می‌آورد و تغییر نرخ بهره باعث تغییر تخصیص منابع جامعه می‌شود.

موسویان و میسمی(۱۳۹۳) دیدگاه‌های فرزین‌وش و ندری (۱۳۸۱) را نقد کرده‌اند. به گفته آن‌ها ربا صرفا یک قرارداد حقوقی نیست که با تغییر شکل قرارداد، مساله ربا حل شود و حیل ربا، صلح ربا و غیره همگی نامشروع هستند. همچنین تغییر شکل رابطه حقوقی، آثار اقتصادی و واقعی سوءی که ربا در بر دارد را حذف نمی‌کند. از جمله دلایل مهم حرمت ربا همین آثار هستند مانند ظلم، ممانعت از انجام اعمال‌خیر، جلوگیری از تجارت. همچنین آن‌ها در نقد ربا عنوان کرده‌اند اگر

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

ربا فاقد جنبه اقتصادی بود و تنها ماهیت حقوقی داشت، آن‌گاه بر خداوند حکیم و ائمه واجب بود تا این مسئله را بیان کرده و به راحتی و تنها با تغییر عنوان و ماهیت حقوقی، مسلمین را از خطر جنگ با خدا و رسول نجات می‌دادند در حالی که در سنت و سیره چنین چیزی نیست.

دلیل دیگری به گفته توتونچیان (۱۳۷۹) خلط مفهوم پول و سرمایه است. چرا که در ادبیات متعارف پول هم نوعی سرمایه در نظر گرفته شده است و این خلط، زمینه‌ای برای توجیه بهره حتی بهره قراردادی است. نقد دیگری که توسط عیوضلو(۱۳۸۷) و بخشی و دیگران(۱۳۹۱) مطرح می‌شود، فرق بین پول و سایر کالاهاست. چرا که پول ارزش ذاتی و درونی ندارد و ارزش آن اعتباری، قراردادی و تبعی است و از این رو مستحق دریافت مازاد نمی‌تواند باشد.

سیر تاریخی استدلال‌های بهره در اندیشه مسلمانان و غیرمسلمانان

اندیشمندان غیرمسلمان	استدلال‌های مخالفین بهره	(۱) دلایل نقلی کتب ادیان یهودیت، مسیحیت، اسلام و ... (۲) عقیم بودن پول (۳) حق طبیعی (۴) انتقال مالکیت (۵) کالای عمومی بودن زمان
	استدلال‌های موافقین بهره	(۱) مولد بودن سرمایه (۲) رشد جمعیت (۳) رجحان زمانی (۴) رجحان نقدینگی
اندیشمندان مسلمان	استدلال‌های مخالفین بهره	(۱) رد بهره در آیات قرآن (۲) رد بهره در روایات (۳) رد بهره از طریق اجماع (۴) رد بهر از طریق عقل
	توجیهات و حیل بهره	(۱) ربوی بودن زیاده در اثر تمدید مهلت قرض (۲) حرام بودن بهره مضاعف و نه بهره عادلانه (۳) تفاوت قرض های مصرفی و تولیدی و ربا نبودن زیاده در قرض های تولیدی (۴) تفاوت ربای محرم با بهره بانکی (۵) ربا نبودن بهره بانک مرکزی به عنوان یک نهاد سیاستی (۶) ربوی بودن بهره قراردادی و مجاز بودن بهره طبیعی

۳- نقد روش شناسی بهره

اندیشمندان غیرمسلمان مخالف ربا تا قبل از قرن هجدهم، با اتکا به دلایل نقلی و ارزشی و اخلاقی مطرح شده در کتب الهی ادیان عهد عتیق، به رد بهره می‌پرداختند. در این دوران برخی از مخالفین هم با بهره‌گیری از همین جنس دلایل مانند رواج خیرخواهی در جامعه در نتیجه رواج قرض‌های ربوی و کاهش نرخ بهره، سعی در مقابله با جریان غالب داشتند.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

در دوره‌هایی که غلبه با حکومت‌های متحد با کلیسا بود، دستورات کلیسا، همان ممنوعیت بهره با همین دلایل نقلی و ارزشی اجرا می‌شد. به تدریج دلایل عقلی فلاسفه هم جای تردیدی باقی نگذاشت و موجب شد حتی دوره‌هایی که حکومت هم راستا با کلیسا نبود، دلایل عقلی توجیهی برای مقبولیت بهره باقی نگذارد مگر خواست نامشروع ثروتمندان و همراهی حکام با آن‌ها.

بعد از قرن هجدهم به دلیل رویکرد پوزیتیویستی علم، دلایل نقلی به عنوان پدیده‌هایی غیرعلمی، اهمیت خود را در محافل علمی از دست دادند و رویکرد مباحثات بهره تبدیل به مباحثی عقلی و عینی شدند. البته اگرچه تلاش‌ها در این جهت بود، اما نمی‌توان مدعی شد این امر به طور کامل محقق شد چرا که در حالی که مولدیت سرمایه امری عینی است، پدیده‌هایی مانند جمعیت، رجحان زمانی و رجحان نقدینگی عواملی ذهنی‌اند.

البته تلاش‌هایی در جهت تعریف عوامل عینی از پدیده‌های ذهنی صورت گرفته است. همانطور که قیمت‌ها را پدیده‌ای عینی از مطلوبیت ناشی از مصرف تعریف می‌کنند به طوری که هر چقدر فرد از مصرف کالایی مطلوبیت بیشتری کسب کند حاضر است برای آن کالا قیمت بیشتری بپردازد، چنین تلاش‌هایی هم برای رجحان زمانی و نقدینگی صورت گرفته است. در نتیجه این تلاش‌ها بهره نمود عینی و بیرونی رجحان زمانی و نقدینگی معرفی شده است، هرچند این روش‌ها خالی از اشکال نیست و نقدهایی به آن ها وارد است.

دسته‌ای دیگر از اقتصاددانان بدون این که خود را در میدان مباحثات ریشه‌های بهره بیندازند، تاثیرات بهره بر بخش‌های مختلف اقتصاد و وضعیت رفاه افراد جامعه را بررسی کرده‌اند. موافقین، بهره را متغیر کلیدی که نرخ‌های مختلف مانند نرخ بازدهی روی سایر دارایی‌ها، انتخاب از بین پروژه‌های مختلف، تخمین سودده بودن پروژه‌ای و ... را با استفاده از نرخ بهره، از دلایل لزوم بهره در زندگی اقتصادی امروز می‌دانند. در مقابل مخالفین هم از همین روش یعنی بررسی عقلی و اقتصادی و تحلیل اثرات بهره بر زندگی اقتصادی استفاده کرده و آن را عاملی محدود کننده در اقتصاد و موجب کاهش سرمایه‌گذاری، بیکاری و رکود نامیده‌اند.

به طور کلی استدلال‌های اندیشمندان غیرمسلمان در قرون معاصر که جنبه عقلی و تحلیل اقتصادی دارند، به جز بعضی از موارد مانند ریشه‌های ذهنی بهره که در معرفی نماینده‌های عینی برای آن‌ها بحث و نقد وجود دارد، در تحلیل‌های اقتصادی، هر دو گروه از یک دسته از ادله استفاده کرده و همسانی روش‌شناسی وجود دارد.

دسته دیگر اندیشمندان مسلمان هستند که جریان غالب تا صد سال پیش در دستگاه فکری آنها، به استناد بر منابع نقلی و ارزشی برگرفته از آیات قرآن و روایات معصومین، مخالفت با بهره

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

بوده است. به تدریج و به تبعیت از روش‌های مبادلات و تجهیز و تخصیص منابع به سبک غربی، روش‌های ربوی در جوامع مسلمین با استدلال‌هایی نمود یافتند.

عمده مباحثات و مناقشات برسر بهره از این دوران به بعد است. در جوامع مسلمین با پذیرش اصل حرمت ربا، رویکردها به پنج دسته تقسیم می شوند. دسته اول از مباحثات با نگاهی تاریخی سعی در متفاوت جلوه دادن ربای محرم در دوران جاهلیت و ربای قرون و اعصار کنونی دارند. این دلایل با موضوعاتی مانند مصرفی بودن قرض‌های جاهلیت و تولیدی بودن قرض‌های کنونی، حرمت زیاده در اثر تمدید مهلت آشکار می‌شود.

دسته دوم از دلایل، با استفاده از حیل ربا، سعی در خارج کردن مصادیق ربای امروزی از دامنه شمول ربای محرم دارند. از آن جمله می‌توان به دلایلی مانند در نظر گرفتن رابطه دولت و مردم و در نتیجه بانک مرکزی به عنوان بانک دولت با مردم مانند رابطه پدر و فرزند و در نتیجه حلیت ربای بین آن‌ها مانند حلیت ربای بین پدر و فرزند، در نظر گرفتن پول به عنوان سرمایه تولید و در نتیجه بهره به عنوان سهم سرمایه از سود تحت عنوان بهره طبیعی، تلاش جهت متفاوت نشان دادن بهره بانکی با ربا تحت عنوان ثابت نبودن نرخ بهره بانکی اشاره نمود.

دسته سوم از ادله‌ای که تلاش می‌کنند ربای رایج در قراردادهای قرض امروزی را حلیت ببخشند، با نگاهی فقهی سعی در تفاسیر متفاوتی از آیات قرانی و روایات به عمل می‌آورند مثلا ششصد درصد بودن معنای عبارت"اضعاف مضاعه"براساس ادبیات عرب و در نتیجه ممنوع بودن ربای ششصد درصدی در قرآن و نه کمتر از آن.

دسته چهارم از دلایلی که توسط مسلمانان ایراد می‌شود، مساله عسر و حرج است. آن‌ها انعطاف پذیری قوانین و مقررات اسلامی را در شرایط مختلف در جهت حل مسائل مسلمین مستمسکی برای رای به غیرقابل اجتناب بودن قراردادهای قرض ربوی به خصوص در سیستم بانکی در شرایط امروز جامعه می‌دانند و در نتیجه تحت این قاعده، علی رغم ربوی بودن سیستم بانکی، رای به پذیرش آن به دلیل این که مبادلات نیاز روز جامعه هستند، می‌دهند.

دسته پنجم که کمترین تلاش‌ها در این زمینه صورت گرفته است، نگاه کارکردگرایانه به سیستم بهره‌ای است. در این نگاه ممکن است به نقش و اثرات بهره و مبادلات قرض ربوی برکل سیستم اقتصادی و مبادلات توجه می‌شود. از آن رو که ممکن است برخی از مردم جوامع اسلامی و یا حکام آنقدر دیندار نباشند که حتی اگر علت و حکمت حکمی را ندانستند، به حکم تعبد، به آن پایبند باشند، تلاش در این زمینه بسیار حائز اهمیت است.

در واقع براساس سابقه طولانی تعالیم حوزوی و جدید بودن مطالعه علم اقتصاد به صورت مدرن در اغلب جوامع اسلامی، روش‌های دیگر به جز تحلیل‌ها و استدلال‌های اقتصادی، از رشد و توسعه

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

بیشتری برخوردارند. اما مساله اساسی عدم تکافو و پاسخگویی این تلاش‌ها جهت اقناع افکار و رفتار مسلمین در این جوامع بوده است.

مشکل اساسی گاهی طرح سوالات با رویکرد اقتصادی و عقلی صرف و پاسخگویی براساس روش های نقلی و تاریخی و ارزشی و فقهی است. این رویکرد در سیر مباحثات بهره در جوامع اسلامی مورد بررسی قرار گرفت. رویکرد غالب و روش شناسی مورد استفاده، بهره‌گیری از آیات و روایات در جهت رد بهره است و اگرچه عقل هم از ابزار مباحثه در این راه است کمتر مورد مداقّه قرار گرفته است. در پاسخ به دلایلی که به متفاوت بودن نوع قرض‌های عصر جاهلیت و قرض‌های اعصار کنونی و متفاوت بودن سیستم‌های اقتصادی معیشتی در عصر جاهلیت و پیشرفته در اعصار کنونی اشاره می کند، منتقدین هم با بیانی تاریخی این دلایل را رد می‌کنند.

استدلال‌هایی که به آیات قرآن تمسک جسته و بر طبق آیات قرض‌های ربوی محرم را قرض‌های مصرفی معرفی کرده‌اند توسط منتقدین با کمک استدلال‌های فنی و بررسی دقیق آیات رد شده است. این‌جا هم محل مباحثه دو طرف براساس آیات است. دسته دیگر ظلم بودن و اکل مال به باطل بودن قرض‌های تجاری را به دلیل رضایت و سود بردن هر دو طرف رد می‌کند. منتقدین با بررسی دلایل موافقین و رد این نظریات با در نظر گرفتن این که تجارت همیشه سودآور نیست این فرضیه را هم رد کرده‌اند. البته یک دلیل دیگر هم ارائه شده و آن نوع قرارداد قرض است که تملیکی بوده و دریافت مازاد در چنین قراردادهایی ظلم است. در این حالت اگر چه دلیل و انتقاد می‌تواند از نوع حقوقی باشد چرا که هم ظلم پایمال کردن حق و هم تملیکی بودن یک قرار و در نتیجه عدم مجوز برای تعدی به حقوق دیگران تحت قرارداد قرض نوعی بحث حقوقی است، به نظر می‌رسد منتقدین باید از دید اقتصادی هم مساله را بررسی کرده و دلیل ظلم و اکل مال به باطل بودن در قراردادهای تملیکی را بیان می‌کردند و به ذکر یک اصل کلی در قراردادهای تملیکی بسنده نمی‌کردند.

نکته دیگر عدم توانایی نقد دلایل عقلی و اقتصادی توسط مسلمانان است که به خصوص توسط اندیشمندان غیرمسلمان در دفاع از بهره بیان می‌شود. تمسک به آیات و روایات به تنهایی و غفلت از استدلال‌های عقلی و آثار اقتصادی آن و عدم استفاده از علم اقتصاد با ابزار مدرن در پناه اصول و مبانی اسلامی، موجب ضعف مسلمین در این حوزه و به ناچار پذیرش رویکردهای غیرمسلمانان تحت عنوان روش‌های علمی جهت مسائل اقتصادی خواهد شد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

نتیجه‌گیری

استدلال‌های فراوانی در رد یا پذیرش بهره از سوی متشرعین، متلکمین و اقتصاددانان صورت گرفته است. عمده فعالیت‌ها در این حوزه از سوی اندیشمندانی است که با نگاه فقهی، تاریخی، حقوقی و اخلاقی، به بررسی مساله می‌پردازند. در این گونه تحقیقات، با پذیرش اصل قضیه حرمت ربا، تحقیقات حول جمع‌آوری دلایل اثباتی و متقاعد کردن مخالفینی که آن‌ها هم بر ابعاد فقهی، تاریخی، حقوقی یا اخلاقی مساله اشکال وارد کرده‌اند مانند متفاوت بودن بهره و ربا، تفاوت عصر جاهلیت و اعصار کنونی، ربای مصرفی و تولیدی و...، نمود می‌یابد. این در حالی است که مباحثات در بین این گروه، بیشتر براساس استدلال‌های نقلی و ارزشی بوده و کمتر از منظر عقلی و تحلیلی به موضوع نگریسته شده است. در مقابل رویکردهایی که با استفاده از دلایل عقلی و تحلیل اقتصادی ضرورت وجود بهره را اثبات می‌کنند، غالب دیدگاه‌های مخالف در رد پدیده آن بیشتر به منابع نقلی استناد می‌کنند. در این راستا بسته به نوع اعتقاد دینی و مذهبی، اندیشه مخالفین بهره، حول نقل قول و تفسیر از کتاب‌های مقدس از تورات و انجیل گرفته تا قرآن کریم می‌گردد. این بدان مفهوم نیست که رویکرد نقلی نمی‌تواند دفاع مستدلی در مقابل اندیشه‌های موافق بهره قلمداد شود، بلکه موضوع به بوته نقد کشاندن دلایل عقلی و استدلالی اقامه شده برای توجیه بهره با استناد به ابزار و روش عقلی است. از منظر روش پاسخ و منطق استدلال، ابزار چنین نقدی باید همان روش و ابزاری باشد که در نگاه ثبوتی به موضوع بهره ارائه می‌شود.

در بسیاری از موارد، آن‌چه موجب خلط محتوا و موضوع و در نتیجه عدم شفافیت و بالاخره نتیجه‌گیری نادرست می‌شود، عدم پیروی از روش صحیح استدلالی است. بررسی این موضوع به این دلیل ضرورت دارد که اگر روش و ابزار مباحثه متناسب و از یک جنس نباشند، درک و مفاهمه ایجاد نشده و این نوع برخورد با مساله، نه تنها به حل آن که کشف ماهیت و حلیت یا حرمت بهره است، منجر نمی‌شود، بلکه بیشتر سبب جمع‌آوری توجیهاتی برای تصمیمات اتخاذ شده، حال در جهت رد یا پذیرش بهره فراهم می‌آورد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

منابع

۱- بخش فرهنگی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم؛ ربا؛ بوستان کتاب قم، ۱۳۸۱

۲- بخشی دستجردی، رسول؛ حسینی، سید عقیل؛ محمدی، مهدی؛ کاشیان، عبدالمحمد؛ «نق برتوجیهات معاصر پیرامون تفاوت بهره طبیعی از ربا در نگاه اندیشمندان اقتصاد اسلامی»، اقتصاد تطبیقی، بهار و تابستان، شماره ۱، ۱۳۹۱، ص۴۵-۷۶

۳- پیغامی، عادل؛ «تحلیل انتقادی نظریه‌های"حقیقی- پولی"و"انگیزه‌های بین زمانی"در مو شناسی بهره»، رساله دکتری، دانشگاه امام صادق (ع)، زمستان ۱۳۸۹

۴- توتونچیان، ایرج؛ پول و بانکداری اسلامی و مقایسه آن با نظام سرمایه‌داری، ۱۳۷۹، نشر توانگران

۵- حقانی زنجانی، حسین؛«تشریع حرمت ربا در قرآن»، درس‌هایی از مکتب اسلام، سال ۲۷، شماره۶، ۱۳۶۶، ص ۲۷ تا ۳۱

۶- دلالی اصفهانی، رحیم؛ ایزدخواستی، حجت؛ ماهیت و ضرورت پول و بهره در نظام سرمایه دا رویکرد انتقادی، انتشارات ارسطو، ۱۳۹۴

۷- رجایی، محمدکاظم؛ ماهیت بهره و کارایی اقتصادی آن، قم موسسه آموزشی و پژوهشی اما خمینی، مرکز انتشارات، ۱۳۸۵

۸- رشیدرضا، سید محمد(۱۴۱۴م)؛ تفسیر المنار، بیروت، دارالمعرفه للطباعه و النشر

۹- رفیق المصری، یونس؛ مصرف التنمیه الاسلامی، بیروت، موسسه الرساله، سوم، ۱۴۰۷ق

۱۰- شریف، احمدابراهیم، مکه و مدینه فی الجاهلیه و عهد الرسول، چاپ سوم، دارالفکر العربی، قاهره، ۱۹۶۵م

۱۱- شیرزاد، محمدحسن؛ شیرزاد، محمدحسین؛ «بازخوانی مفهوم ربا در قرآن‌کریم برپایه‌ی روش معناشناسی ساخت گرا»، صحیفه مبین، پاییز و زمستان، سال بیست و یکم، شماره ۵۸، ۱۳۹۴، ص۱۶۴- ۱۳۵

۱۲- صانعی، یوسف؛ فقه و زندگی، ربای تولیدی، قم، انتشارات میثم تمار،۱۳۸۳

۱۳- صدر، محمدباقر؛ اقتصاد ما (بررسی‌هایی درباره مکتب اقتصادی اسلام)، مترجم:ع اسپهبدی، ج۲،

۱۴- طباطبائی؛ محمدحسین؛ نهایه الحکمه، قم، موسسه نشر اسلامی، چاپ پنجم، منقحه، ۱۴۲۰ه.ق

۱۵- عیوضلو، حسین؛ «اصول و مبانی نظام پولی در اقتصاد اسلامی»، اقتصاد اسلامی، شماره ۲۹، ۱۳۸۵، ص۳۵-۶۱

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

۱۶- غنی‌نژاد، موسی؛ «تفاوت ربا و بهره بانکی»، نقد و نظر ، شماره ۱۲، ۱۳۷۶، ص۳۱۴-۳۲۷
۱۷- فرزین‌وش، اسدالله و کامران ندری؛ «ربا، بهره قرارداد طبی و بهره طبیعی: نقد مفهوم بهره در نظریات اقتصادی متفکرین مسلمان»، تحقیقات اقتصادی، شماره ۶۰، ۱۳۸۱، ص۱۴۹-۱۸۵
۱۸- قرضاوی، یوسف؛ «بهره بانکی همان رباست»، مترجم نصرالله خلیلی، اقتصاد اسلامی، شماره ۳، ۱۳۸۰ ص۱۰۹-۱۳۰
۱۹- کاشانی، سیّد محمود؛ «بررسی حقوقی چارچوب قانون عملیات بانکی بدون ربا»، مجموعه سخنرانی ها و مقالات هشتمین سمینار بانکداری اسلامی، مؤسّسه عالی بانکداری تهران، ۱۳۷۶
۲۰- کیایی، حسن؛ «سیاست‌گذاری پولی در بانکداری اسلامی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد اقتصاد، به راهنمایی کامران ندری، تهران، دانشگاه امام صادق(ع)، ۱۳۸۶
۲۱- محمد رفیق جواهری؛ «سود و بانکداری اسلامی»، سفیر، سال پنجم، شماره بیستم، ۱۳۹۰، ص۸۵-۱۲۲
۲۲- مطهری، مرتضی؛ مساله ربا به ضمیمه بیمه، تهران، انتشارات صدرا، چاپ چهارم، ۱۳۷۱
۲۳- مکارم شیرازی، ناصر؛ ربا و بانکداری، مدرسه امام علی ابن ابی طالب، قم، ۱۳۸۰
۲۴- موسایی، میثم؛ تبیین مفهوم و موضوع ربا از دیدگاه فقهی، تهران، مؤسسه تحقیقات پول و بانکی، ۱۳۷۶
۲۵- موسوی بجنوردی، سید محمد؛ «نقدی بر استثنائات حرمت ربا از دیدگاه فقهی»، مجموعه سخنرانی ها و مقالات نهمین سمینار بانکداری اسلامی، مؤسّسه عالی بانکداری تهران، ۱۳۷۷
۲۶- موسوی بجنوردی، محمد؛ «مبحث ربا»، متین، شماره۸، ۱۳۷۹، ص۴۳ تا ۸۰
۲۷- موسویان، سید عباس و حسین میسمی؛ «نقد و بررسی دیدگاه های جدید پیرامون ربا و بهره بانکی»، تحقیقات مالی- اسلامی، بهار و تابستان، شماره ۶، ۱۳۹۳،ص۷-۳۶
۲۸- موسویان، سید عباس؛ «نظریه های ربا و بهره»، اقتصاد اسلامی، سال هفتم، شماره ۲۷، ۱۳۸۷، پاییز ۱۳۸۷، ص۶۷-۱۰۰
۲۹- موسویان، سید عباس؛ «نقد دیدگاه های معاصر درباره ربا»، کتاب نقد، ۱۳۹۱، شماره ۶۵ و ۶۶، ص۲۲۷-۳۰۲
۳۰- موسویان، سیدعباس؛ «ثمران فقهی- اقتصادی دفعی یا تدریجی بودن تحریم ربا در قرآن»، اقتصاد اسلامی، شماره ۱، ۱۳۸۰، ص ۸۷ تا ۱۰۹
۳۱- ندری، کامران و کیایی، حسن؛ «سیاستگذاری پولی در بانک مرکزی براساس نرخ بهره و حرمت ربا در اسلام»، مجموعه مقالات نوزدهمین همایش بانکداری اسلامی، تهران، موسسه عالی بانکداری ایران، ۱۳۸۷،ص۴۲۱-۴۶۵

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

۳۲- نیلی، مسعود؛ «مقایسه تطبیقی قانون عملیّات بانکی بدون ربا بـا کارکردهـای اقتصـاد مـدرن»، مجموعه مقالات پانزدهمین همایش بانکداری اسلامی، تهران، مؤسسـه عـالی بانکـداری ایـران، ۱۳۸۳، ص۲۰۹-۲۳۴

1- Bohm-Bawerk, E.V.; Positive theory of capital, translated by William Smart, 1891
2- Bohm-Bawerk, E.V; Capital and interest, South Holland, Libertarian Press, translated by William Smart,1889
3- Cencini, A. ; Monetary macroeconomics. A new approach, London and New York, 2001
4- El-Gamal M.A. ; "An Economic Explication of the Prohibition of Riba in Classical Islamic Juisprudence"; Proceedings of the Third Harvard University forum on Islamic Finance, 2001
5- Fisher, I. ; the theory of interest, NY, Macmillan, 1930
6- Friedman, M; the Optimum Quantity of Money and other Essays; Chicago Press, Aldine, 1969
7- Keynes, J.M. ; The General Theory of Employment, Interest and Money, London, Macmillan, 1936
8- Mises, L. V. ; Human Action: A treatise on economics; 1963 edition, New Haven: Yale University Press, 1949
9- Murphy, R. ; unanticipated intertemporal change in theories of interest, ph.D dissertation, new yourk university, 2003
10-Phelps, E. S. : "The Golden Rule of Capital Accumulation". American Economic Review. 51: 638–43, 1961
11-Samuelson, P. ; An exact consumption loan model of interest with or without social contrivance of money; 1958
12-Simmel, G; The Philosophy of Money; Contributors: David Frisby – editor. Routledge , New York, 2004

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]